

گفت‌وگو و کارکردهای تربیتی آن در پرتو آیات و روایات

motamadi70@gmail.com
msebrahimjafari@yahoo.co

کلیه مرضیه معتمدی محمدآبادی / دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان
سیدابراهیم میرشاه جعفری / استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان
دریافت: ۹۶/۹/۲۵ پذیرش: ۹۷/۱/۱۹

چکیده

برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، لازمه زندگی در جهان امروز است، و «گفت‌وگو» مهم‌ترین ابزار برای برقراری این ارتباط به‌شمار می‌آید. با توجه به نقش تأثیرگذار گفت‌وگو در تربیت ابعاد فردی و اجتماعی، لازم است به پرورش این مهارت، توجه ویژه‌ای مبذول شود. لیکن تا زمانی که ارزش، اهمیت و آثار تربیتی گفت‌وگو تبیین و بررسی نشده باشد، احساس نیاز و تمایل به آن به وجود نخواهد آمد. هدف اصلی مقاله حاضر، تبیین کارکردهای تربیتی گفت‌وگو در ابعاد فردی و اجتماعی است و در این زمینه از آیات و روایات مرتبط نیز استفاده شده است. بدین منظور، با مطالعه متون مرتبط، ضمن مفهوم‌شناسی واژه «گفت‌وگو» و ارتباط آن با سایر مفاهیم مشابه، آداب و شرایط گفت‌وگوی مطلوب تشریح شده و در نهایت، آثار گفت‌وگو در بعد فردی و اجتماعی بررسی گردیده است. در بعد فردی، آثاری همچون گسترش شناخت و معرفت، پرورش تفکر نقاد، خودآگاهی، و تقویت اعتماد به نفس، و در بعد اجتماعی سعه صدر، همدلی و هم‌اندیشی، و حصول وحدت و تفاهم (از طریق گفت‌وگوی بین نسلی، گفت‌وگوی تمدن‌ها و گفت‌وگوی ادیان) تبیین گردیده است.

کلیدواژه‌ها: گفت‌وگو، گفتمان، تعلیم، تربیت، آیات، روایات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

توانایی برقراری ارتباط مناسب و گفت‌وگوی سازنده با سایر ملل بیش از پیش ضروری می‌نماید؛ زیرا این برقراری ارتباط می‌تواند از برخوردها و گسترش خشونت پیشگیری کند.

در خصوص گفت‌وگو، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته و محققان ابعادی از آن را بررسی کرده‌اند. صادق‌زاده قمصری و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود، با بررسی آیات قرآن کریم و مبتنی بر ملاک‌های گفت‌وگوی تربیتی، ۳۷ نمونه گفت‌وگوی تربیتی را از قرآن کریم استخراج کرده و رویارویی استدلالی و منطقی، ارتقای سطح معرفتی متربی، ایجاد مشارکت، توجه به انگیزه، رویارویی واقع‌بینانه، به‌کارگیری انگیزه صیانت از نفس، و یادآوری (تذکار) را از اصول «گفت‌وگوی تربیتی» برشمرده‌اند.

دیالمه و صالحی متعهد (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «مؤلفه‌های گفت‌وگوی صحیح، مبتنی بر گفت‌وگوهای قرآنی»، مؤلفه‌های به‌دست‌آمده را این‌گونه ذکر کرده‌اند: استفاده از ادبیات پرسشی، رعایت ادب، سخن گفتن در سطح فهم مخاطب، اعتمادسازی، ژرف‌کاوی، طلب شاهد برای مدعا، حاکمیت منطقی، سازماندهی گفت‌وگو در شرایط واقعی، تعمیق باور مخاطب، فرصت طرح پرسش، و استفاده از تشویق و تنبیه.

زینی‌وند و وحید دستجردی (۱۳۹۰) با تحلیل شیوه‌های گفت‌وگو در قرآن کریم، به این نتیجه دست یافتند که قرآن کریم در جریان گفت‌وگو، با تأکید بر شاخص‌های اخلاقی، در پی هدایت و کمال روحی و معنوی انسان بوده و برای رسیدن به چنین مقصودی، از گونه‌های ترکیبی زبان (زبان فطرت، زبان پرستش، زبان استدلال، زبان مشترک، زبان عاطفه و مانند آن) بهره‌جسته است.

با بررسی پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، ملاحظه می‌شود که بیشتر پژوهش‌ها به تبیین آداب و اصول گفت‌وگو از منظر آیات و روایات پرداخته و در رابطه با اهمیت و کارکردهای گفت‌وگو در زندگی کمتر کار شده است. از سوی دیگر، با توجه به نقش تأثیرگذار گفت‌وگو در تربیت انسان، لازم است به پرورش این مهارت توجه ویژه‌ای مبذول شود. لیکن تا زمانی که ارزش، اهمیت و آثار تربیتی آن تبیین و بررسی نشده باشد، احساس نیاز و تمایل به آن به وجود نخواهد آمد. بدین‌روی، هدف اصلی مقاله حاضر تبیین کارکردهای تربیتی گفت‌وگو با نظر به آیات و روایات است.

انسان موجودی است فطرتاً اهل گفت‌وگو، و برای بهره‌مندی از تفکر خویش، ناگزیر از گفت‌وگو با دیگران (سلطانی رنایی، ۱۳۸۹، ص ۹۳). تلاش انسان برای برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد قواعد و قراردادهایی که در سایه آنها بتواند ارتباطی کلامی ایجاد کند، همواره مطمح‌نظر بوده است؛ کلامی که حاصل نزدیکی زبان و اندیشه اوست و به یاری آن، توانسته تفکرات خود را به فرد یا افراد دیگر منتقل کند. بی‌شک، این کار یکی از نخستین اقدامات برای ساماندهی جامعه انسانی در ایجاد ابزار فهمیدن، فهماندن و برقراری ارتباط با دیگران است؛ امری که از محورهای بنیادین پایداری زندگی فرهنگی جوامع انسانی محسوب می‌گردد (روح‌الامینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴). در حقیقت، یکی از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات، همین قوه نطق و توانایی گفت‌وگوست (دیالمه و صالحی متعهد، ۱۳۹۳، ص ۴۸)، و زمانی که فرد وارد گفت‌وگو شود و از قوه سخنوری برای برقراری ارتباط با دیگران و انتقال عواطف و احساسات خویش به آنها استفاده کند، رشد و تعالی می‌یابد.

گفت‌وگو از آغاز زایش انسان در جهان خاکی راه‌گشای بسیاری از مشکلات تا زمان حاضر بوده است. هنگامی که منطق گفت‌وگو بر جامعه حاکم باشد، بسیاری از مسائل فکری و عقیدتی قابل حل و فصل خواهد بود (عارفی میناآباد، ۱۳۹۳، ص ۳۷). تنها در پرتو تضارب آراء و اندیشه‌ها و با ابزار گفت‌وگو می‌توان افزون بر حفظ منابع مادی و معنوی بشر، فکر و خلاقیت ذهنی را پرورش داد و معارف و علوم را توسعه بخشید. علاوه بر این، نقش گفت‌وگو در بعد اجتماعی آنچنان پررنگ و تأثیرگذار است که ناتوانی در برقراری ارتباط مناسب در عرصه خانوادگی و اجتماعی نیز آسیب‌های سنگینی ایجاد خواهد کرد. مسئله «گسست نسلی»، که نتیجه فاصله گرفتن نسل‌ها و فقدان درک متقابل آنان نسبت به نیازها، آرزوها، شرایط و محدودیت‌های یکدیگر است به سبب نبودن زبان مشترک و گفت‌وگوی تعاملی مناسب، روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در دراز مدت، زمینه‌های تحقق انقطاع فرهنگی را شکل می‌دهد.

از سوی دیگر، با توسعه مرزهای مادی و روانی بین جوامع و تأثیرگذاری فرهنگ‌های مختلف بر یکدیگر، مسائل و مشکلات از مرزهای ملی فراتر رفته و جنبه جهانی پیدا کرده است. بدین‌روی،

مفهوم‌شناسی

«گفت‌وگو» به لحاظ لغوی، در زبان فارسی به معنای «مکالمه»، «مباحثه»، «مجادله»، «گفت و شنود»، «سخن گفتن»، «مذاکره کردن» و «گفتار» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۱، ج ۳۳، ص ۱۶۹۳۰). در زبان عربی، واژه «حوار» در برابر گفت‌وگو قرار دارد که از ریشه «حَوَرَ» به معنای بازگشت از چیزی به چیز دیگر است. در معنای اصطلاحی «حوار» گفته‌اند: «گفت‌وگو میان دو طرف یا بیشتر که هر کدام از آنها افکار و آراء خود را در آن گفت‌وگو بیان می‌کنند و شواهد و دلایلی را برای توضیح و تبیین آراء خود، برای رسیدن به نتیجه مشترک می‌آورند» (نحلاوی، ۲۰۰۱، ص ۳۹).

لازم است رابطه «گفت‌وگو» را با سایر مفاهیم نزدیک به آن همچون «صحبت کردن»، «بحث کردن» و «مناظره کردن» مشخص کنیم. می‌توان «گفت‌وگو» را معادل واژه «conversation» در نظر گرفت که منظور از آن، مکالمه و محاوره و صحبت کردن است. این مکالمه در شرایط فوری و ضروری آن هم در سطحی نازل صورت می‌گیرد (کریمی‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۸۸). «صحبت کردن» نوع رایج ارتباط کلامی است که در آن به طور معمول، اندیشه‌ها، سخن‌ها و حرف‌ها از بار معنایی دقیق و مشخص برخوردار نیست و افراد به دنبال دستیابی به حقیقت، دانایی و پرورش قوای ذهنی نیستند (نیستانی، ۱۳۹۱، ص ۲۲). از این‌رو، در نوشته حاضر منظور از «گفت‌وگو» مکالمه نیست. برخلاف صحبت کردن، که در آن افراد به هیچ قاعده‌ای پایبند نیستند؛ مشارکت‌کنندگان در بحث «Discussion» خود را موظف به اجرای قواعد حاکم بر بحث می‌دانند. بحث تجزیه امور و تأکید بر تفکیک و تحلیل پدیده‌ها، در واقع، دفاع از مفروضات، مجاب کردن و در نهایت، دستیابی به توافق بر سر معنای واحد است. «مذاکره» نیز به انجام رساندن نوعی دادوستد است. از این‌رو، هدفی عمل‌گرایانه برای یافتن راه برون‌رفت از میان موانع خاص به حساب می‌آید (پایا، ۱۳۸۱، ص ۶۶).

گفت‌وگو را می‌توان معادل واژه «دیالوگ» (Dialogue) دانست که از واژه یونانی «دیالوگوس» (Dialogos) گرفته شده است. مفهوم «لوگوس» (Logos)، «کلمه» است که طبیعتاً چیزی است که بار معنایی خاصی دارد و هدف از کاربرد آن، توجه به معنای خاص آن است. لفظ «dia» نیز به معنای «میان و درون» (Through) است. تصویری که از این ریشه‌یابی می‌توان دریافت

کرد، جریانی از معناست که در جمع ما، در بین ما و در درون ما جاری می‌شود و منجر به پیدایش نوعی فهم تازه می‌گردد؛ چیزی که بدیع و خلاقانه است (بوهم، ۱۳۸۱، ص ۳۱-۳۲). معنایی که از «دیالوگ» به ذهن متبادر می‌شود معنایی عمیق‌تر از محاوره، بحث و صحبت کردن است و در مقاله حاضر نیز «گفت‌وگو» در معنای «دیالوگ» مطرح نظر است؛ «همان سخنانی که به دنبال ارتباط دو شخص یا بیشتر و در پی موقعیت‌ها و رویدادهای گوناگون صورت می‌گیرد و در آن از افکار و احساسات با چارچوب‌های شخصی، دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و مانند آن سخن به میان می‌آید (حسینی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۴) و هدف آن تصدیق حقیقتی به طور جمعی و عقلانی برای ایجاد معنایی از جهان است (دایکسون، ۱۹۹۶، ص ۲۴). بدین‌روی، می‌توان گفت:

«گفت‌وگو» مکالمه‌ای است که در آن شرکت‌کنندگان، به فهم و نقد سخن یکدیگر می‌پردازند و طی این فرایند، سخن، زمینه‌ساز نقد آن می‌شود و این نقد زمینه توضیح، روشن‌گری و در نهایت، فهم عمیق‌تر را فراهم می‌کند و بدین‌سان، با سیر دیالکتیکی و گام‌به‌گام مسئله حل می‌گردد (ملکیان، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰).

آداب گفت‌وگو

تجربه نشان می‌دهد که گفت‌وگو همواره با مشکلاتی مواجه است. ناتوانی در گوش دادن، پیش‌داوری‌های نادرست، دست‌نیافتن به توافق و دیگر مسائل همواره گفت‌وگوی بین فردی را دچار مشکل می‌کند و در صورت برطرف نکردن این کاستی‌ها، نمی‌توان آثار و پیامدهای موردنظر را انتظار داشت. گوش دادن عمیق، پرسشگری، نرمی و لطافت، سهمیم شدن در مسئولیت، تکریم و احترام متقابل، اعتمادآفرینی و توجه به سطح مخاطب برخی از اصول اساسی گفت‌وگو هستند که در ادامه، برخی از آنها به اختصار تبیین می‌شود:

۱. گوش دادن

«گوش دادن» توانایی شنیدن و تأمل در گفته‌های دیگران است. در حقیقت، گوش دادن فرصتی برای درک گفته‌ها و معنای سخن دیگران فراهم می‌کند (نیستانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵). وقتی نتوانیم به اندیشه دیگران گوش دهیم، به طور طبیعی، قدرت فهم دیگری را

نیز نخواهیم داشت. در حقیقت آنچه دیگری شرح می‌دهد ما را به فکر و اندیشه وامی‌دارد و در نهایت، ما را به فهم پدیده رهنمون می‌سازد. به عبارت دیگر، گوش دادن و فهمیدن لازم و ملزوم یکدیگرند و یکی بدون دیگری ناممکن است. بدین‌رو، وقتی گوشتی برای شنیدن نباشد فهمی حاصل نمی‌شود، و زمانی که درک و شناختی نباشد پاسخی نیز میسر نخواهد شد (باختین، ۱۹۸۱، ص ۷۶). گوش دادن موجب می‌شود طرفین گفت‌وگو دچار پیش‌داوری و قضاوت‌های نادرست نشوند و بتوانند در مسیر درست، به فهم صحیح دست یابند.

۲. پرسشگری

یکی از بنیادی‌ترین اصول گفت‌وگو، پرسشگری است. در این‌باره، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «دانش گنجینه‌هایی است و کلید آن پرسیدن است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۱). در حقیقت، پرسش راهبرد اصلی برای کشف معناست. فلسفه پرسش دستیابی به دانایی است. پرسش، دشواری آغاز کردن گفت‌وگو را هموار می‌کند و به همین دلیل، برای آغاز گفت‌وگو مناسب است؛ اما در سیر گفت‌وگو نیز قابل کاربرد است؛ زیرا پرسش اساساً مخاطب را درگیر بحث می‌کند و واکنش او را می‌طلبد (دیالمه و صالحی متعهد، ۱۳۹۳، ص ۵۰).

۳. نرمی و لطافت

نرمی و ملایمت در گفتار و پرهیز از خشونت و تندى در کلام، گاهی مهم‌تر از محتوای سخن است (بنی‌نعمه، ۱۳۹۳، ص ۳۶). با گفتار نرم و دل‌نشین، بهتر می‌توان عقاید را مطرح ساخت و بر تأثیر و گیرایی کلام افزود. خداوند هنگامی که حضرت موسی و هارون ﷺ را برای دعوت فرعون مأمور ساخت، به آنها امر کرد: «... فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴)؛ با او به نرمی سخن بگویند؛ شاید پند بگیرد و بترسد. ملایمت در برقراری ارتباط، به‌ویژه در گفت‌وگوی مربی و متربی، اهمیت ویژه‌ای دارد. چه بسا تندى مربی حین گفت‌وگو باعث جبهه‌گیری متربی شده، تأثیر سخن از دست برود و گاهی نتیجه معکوس به بار آورد.

۴. تکریم و احترام

«کرامت در سخن گفتن» به معنای رعایت احترام و بزرگ شمردن

مخاطب است؛ زیرا طبق آیه ۷۰ سوره «اسراء»، انسان دارای کرامت ذاتی است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ و ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها نشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از دیگر مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم. بدین‌رو، از شروط اولیه برقراری ارتباط رعایت احترام متقابل و تکریم مخاطب است که توجه به آن در گفت‌وگوهای تربیتی اهمیت ویژه‌ای دارد. بر خلاف تصور سنتی که معلم محور تمام فعالیت‌های تربیتی به حساب می‌آید و از موضع بالا، باورها، عقاید و اطلاعات را به فراگیر منتقل می‌کند، برای ایجاد گفت‌وگوی متقابل، مربی باید به شخصیت متربی احترام بگذارد و از توهین و تحقیر وی پرهیزد؛ زیرا «کودکی که احترام و تکریم ندیده باشد در خود احساس حقارت کرده، روحی شکست خورده و افسرده خواهد داشت (شکوهی یکتا، ۱۳۷۰، ص ۱۹۲). این احساس خودکم‌بینی شخصیتی منفعل و پذیرنده ایجاد خواهد شد که با روح تعلیم و تربیت سازگاری ندارد. البته توجه به این نکته نیز ضروری است که برای شکل‌گیری گفت‌وگوی سازنده، لازم است این احترام دوسویه باشد و جایگاه مربی نیز از سوی متربی محترم شمرده شود.

۵. توجه به سطح فهم و نیاز مخاطب

لازمه فهم کلام توسط مخاطب و در پی آن، اثرگذاری در مخاطب، این است که در سطح فهم وی سخن گفته شود و پیش‌شرط این امر آن است که گفت‌وگوکننده شناخت کافی نسبت به سطح معرفتی مخاطب خود داشته باشد (دیالمه و صالحی متعهد، ۱۳۹۳، ص ۵۴). توجه به عنصر یادشده برای مربیان ضروری است؛ چنان‌که مربی بزرگ بشریت حضرت محمد ﷺ نیز فرموده‌اند: «ما پیامبران مأموریم تا با مردمان به اندازه درک و عقلشان سخن بگوییم» (کلینی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۳). اگر مربیان به سطح درک و فهم مخاطب خود بی‌اعتنا باشند و گفت‌وگویی فراتر از درک آنان ارائه دهند، پیامی منتقل نمی‌شود و بنابراین، می‌توان گفت: اساساً گفت‌وگویی اتفاق نمی‌افتد. از سوی دیگر، پایین‌تر از سطح مخاطب ظاهر شدن نیز ممکن است ضعف و ناتوانی گوینده را به ذهن مخاطب تداعی کند و از تأثیر کلام

پیشرفت در معرفت را متکی به نقادی‌ها و ارزیابی‌های مستمر می‌دانند (خانیکی، ۱۳۸۳، ص ۹۳). بخشی از معرفت درباره جهان بیرونی، از روابط ما با دیگران به دست می‌آید. از طریق روابط اجتماعی، افراد فرصت می‌یابند تا تجربه‌های زندگی خویش را سامان دهند و تا اندازه‌ای جهان پیرامون خویش را گسترش بخشند و آن را در اختیار خود و دیگران قرار دهند (نیستانی، ۱۳۹۱، ص ۶۰). در این خصوص، امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «با شور و مشورت، آراء پنهان و امور خفته آشکار می‌گردد» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۸۶).

گفت‌وگو گوینده و شنونده را در مسیر دریافت معرفت قرار می‌دهد؛ زیرا بسیاری از ابهامات با پرسش و پاسخ و استنتاجات برطرف می‌شود و از این طریق، حقایق آشکار می‌گردد. چه بسا برخی ایده‌ها در ابتدا مبهم و غیرقابل تعریف است؛ بدین معنا که وقتی شخص ایده‌ای را بیان می‌کند، سایرین از آن مطلبی برداشت کرده، شروع به پرسش می‌کنند و همین پرسش‌ها صاحب ایده را وادار به ارائه پاسخ‌هایی می‌کند که موجب روشن شدن بحث می‌گردد. در محیط‌های آموزشی و تربیتی نیز با ایجاد شرایطی برای گفت‌وگوی متقابل، می‌توان حصول معرفت را تسهیل کرد، و لازمه آن استفاده از روش‌های فعال تدریس و ایجاد فرصت سؤال توسط معلم در کلاس است؛ زیرا «پرسش یکی از ارزشمندترین کلیدهای ورود به خزانه دانش است، و اساساً دانش با سؤال آغاز می‌شود» (برنجکار و عباس‌آبادی، ۱۳۹۳، ص ۵). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بر این دانش، قفلی است که کلید آن پرسش است» (کلینی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۰). در ضمن سؤال و جواب است که عقل انسان‌ها به حرکت واداشته می‌شود، کژفهمی‌ها و برداشت‌های نادرست از بین می‌رود و دانش‌های نو به وجود می‌آید. اهمیت پرسش تا آنجاست که امام صادق علیه السلام از دم فرو بستن از پرسش هشدار می‌دهند و می‌فرمایند: «تنها چیزی که مردم را هلاک می‌کند این است که نمی‌پرسند» (همان، ص ۴۹).

به همین سبب، انتظار می‌رود در محیط‌های آموزشی، با به کارگیری روش دیالکتیک سقراطی و سؤال و جواب با مخاطب، حقیقت برای او نمایان شود و عقل برای زاییدن معرفت آماده گردد. این در حالی است که اگر معلم با تکیه بر روش‌های سنتی به ارائه درس بپردازد، در جریان انتقال یک‌سویه اطلاعات، ممکن

بکاهد. بدین‌روی، گفت‌وگو برای مخاطب جذابیتی نخواهد داشت و هدف تربیت محقق نمی‌گردد.

آثار و کارکردهای تربیتی گفت‌وگو

انسان برای زندگی در اجتماع و بروز افکار درونی خویش، ناگزیر از تکلم است و اندوخته‌های علمی و تجربیات زندگی را به وسیله مهم‌ترین نعمت الهی، که همان سخن گفتن است، ارائه می‌دهد، و از این طریق، مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی را حل و فصل می‌کند. قرآن کریم به این ویژگی انسان تکیه کرده و فرموده است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (رحمن: ۱-۴). «بیان» یعنی: ظاهر ساختن، به وسیله زبان، و انسان مکنونات ضمیر خویش را از طریق زبان و در قالب گفت‌وگو برای دیگری آشکار می‌کند. نقش گفت‌وگو در زندگی بشر، غیرقابل انکار است و با بررسی منابع، می‌توان آثار تربیتی گفت‌وگو را در دو بُعد فردی و اجتماعی دسته‌بندی کرد. در ذیل، به تعدادی از این کارکردها اشاره می‌شود:

الف. آثار و کارکردهای تربیتی گفت‌وگو در بُعد فردی

بخشی از آثار گفت‌وگو متوجه بعد فردی و پرورش جوانب شخصیت آدمی است که فرد را در بالندگی شخصی و تربیت ابعاد درونی خویش یاری می‌دهد. برخی از این آثار و نتایج در بُعد فردی عبارت است از:

۱. گسترش شناخت و معرفت

هدف از گفت‌وگو، ساکت کردن مخاطب و نشان دادن حرف خود بر کرسی نیست، بلکه با به کارگیری آداب صحیح گفت‌وگو، موجبات رسیدن به فهم و درک درست از یک مسئله فراهم می‌شود (بنی‌نعمه، ۱۳۹۳، ص ۸). سقراط، فرایند گفت‌وگو را از آن لحظه ممکن می‌داند که انسان به جهل خویش وقوف یابد. گفت‌وگو از نظر سقراط، محصول توجه آدمی به این نکته است که «نمی‌دانم». همین معرفت، یعنی علم به جهل، محرکی برای رشد معرفت فردی از طریق گفت‌وگو با دیگران می‌شود و به دیگران نیز کمک می‌کند تا در مسیر بسط معرفت قرار گیرند. این طرز تلقی سقراطی در جهان نوین، وضوح بیشتری یافته است، به گونه‌ای که امروز

فرصت بررسی همه‌جانبه داده‌ها را فراهم می‌سازد. بدین‌روی، با نفی یکجانبه‌نگری، زمینه نقد و بررسی افکار گوناگون فراهم می‌شود. در جریان گفت‌وگو و بیان نظرات جدید، امکان مقایسه نظرات متعدد پیش می‌آید و یا نظرات دیگران پذیرفته می‌شود، یا تأیید نمی‌گردد. اما نکته قابل توجه آنجاست که برای پذیرش دیدگاه‌های ناهمخوان، چه‌بسا فرد دیدگاه‌های خویش و دیگران را بارها به چالش می‌کشد و در آنها مذاقه می‌کند تا در نهایت، با ساخت معرفتی‌اش، مطابقت یابد و پذیرفته شود.

با توجه به کم‌رنگ بودن روحیه انتقادی در جامعه، لازم است زمینه پرورش این مهارت در خانواده، جامعه و نظام‌های آموزشی فراهم شود. بدین‌روی، از دست‌اندرکاران تربیتی انتظار می‌رود با به‌کارگیری روش‌های مشارکتی و ایجاد فرصت مباحثه، فراگیران را در فضای ایده‌های متنوع قرار داده، تفکر انتقادی آنان را پرورش دهند. در خصوص آموزش تفکر انتقادی، فریر با نفی انتقال یک‌سویه اطلاعات (بانکداری آموزشی) بر آموزش مبتنی بر حل مسئله و بررسی انتقادی تأکید دارد که در آن، معلمان تنها انتقال‌دهنده اطلاعات نیستند، بلکه در فرایند گفت‌وگو، شاگردان را در ساختن ادراک یاری می‌دهند (دیناروند و ایمانی، ۱۳۸۷). بدین‌سان، دانش‌آموزان نه به‌عنوان شنوندگان مطیع، بلکه کنشگرانی هستند که در جریان بحث و گفت‌وگو با یکدیگر و با معلم، آگاهی و شناخت انتقادی خود را از واقعیت به دست می‌آورند. در نتیجه، آموزش باید به‌مثابه گام‌های به هم پیوسته، همچون فرایندی از پژوهش باشد که در تمام گام‌ها، شاگردان در گفت‌وگویی با یکدیگر برای بازسازی واقعیت مشارکت دارند (کاتسمن، ۲۰۱۰).

۳. خوداندیشی و خودآگاهی

«خودآگاهی» داشتن فهم عمیق از عواطف خود، نقاط قوت و ضعف خویش و انگیزه‌ها و ارزش‌های فردی است (کالدول، ۲۰۱۰). کنان و همکاران (۲۰۰۷) «خودآگاهی» را به‌عنوان «توانایی بازبینی حالت‌های ذهنی توسط خود فرد» تعریف کرده‌اند که فرد را قادر می‌سازد به شناخت خود از یک دیدگاه سوم شخص توجه کند. افراد معمولاً دارای سطح پایینی از خودآگاهی هستند و فرایند گفت‌وگو این فرصت را برای شرکت‌کنندگان فراهم می‌کند تا خویشان را بهتر درک کنند و از دیدگاه و پیش‌زمینه‌های فکری خویش آگاه شوند.

است بدفهمی‌هایی ایجاد شود و درک و دریافت صحیح مطالب را خدشه‌دار کند. این مسئله تنها با ایجاد فرصت اظهارنظر و گفت‌وگوی متقابل حل خواهد شد. با ایجاد فرصت ابراز عقاید، زمینه تعالی و رشد برای هر دو طرف گفت‌وگو فراهم می‌شود؛ چیزی که در سایه کاربست روش‌های سنتی و یک‌سویه امکان‌پذیر نیست.

۲. پرورش تفکر انتقادی

از نظر نلسون، تفکر انتقادی به مجموعه تلاش‌های سازمان‌یافته، هدفمند و جدی برای فهم دنیای پیرامون اطلاق می‌شود که با ارزیابی دقیق از تفکرات خود و تفکرات دیگران، به منظور روشن‌سازی و بهبود فهم صورت می‌گیرد (نلسون، ۲۰۰۱، ص ۸). بر/ون تفکر انتقادی را آزمودن راه‌حل‌های پیشنهادی برای مسائل می‌داند (براون، ۲۰۰۳، ص ۲۳). بنابراین، آنچه در تفکر انتقادی اهمیت دارد برخورد فعال و نگاه پرسشگرانه به مسائل پیش رو و ارزیابی همه‌جانبه ایده‌های گوناگون به منظور انتخاب بهترین دیدگاه است. در همین خصوص، در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره «زمر» آمده است: «... فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. اینانند که خدایشان راه نموده و اینان همان خردمندان‌اند. در این آیه، خداوند حصول انتخاب احسن را در گرو استماع اقوال گوناگون می‌داند. از این منظر، چنین برداشت می‌شود که لازم است آدمی در معرض ایده‌ها و نظرات گوناگون قرار گیرد تا با نقد و بررسی آنها به انتخاب صحیح‌ترین آنها نایل آید. دریافت ایده‌های گوناگون و نقد و بررسی آنها به منظور تصمیم‌گیری، از طریق قرار گرفتن در مقام گفت‌وگو با دیگران حاصل می‌شود؛ زیرا «گفت‌وگو» روشی برای بررسی و ارزشیابی ایده‌ها و نظرات گوناگون است. این ارزشیابی موجب ارتقای سطح فکری می‌شود و برخورد خردورزانه را با مفاهیم، موضوعات و مسائل زندگی ترویج می‌کند (عارفی میناآباد، ۱۳۹۴، ص ۴۹). به واسطه گفت‌وگو امکان تجدیدنظر در ایده‌های پذیرفته‌شده و بررسی نقاط قوت و ضعف ایجاد می‌گردد. ویژگی پرسشگری، که در نهاد گفت‌وگو نهفته است، ذهن را به حساسیت درباره باورهای رایج وامی‌دارد و خرد آدمی را به میدان می‌کشد و

و پرورش یابد؛ همانند بذری که در ساحت جسم کاشته می‌شود و با رسیدن مواد لازم و ضروری به منصفه ظهور می‌رسد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۷۳). یکی از عوامل مؤثر در رشد و پرورش اعتماد به نفس، «گفت‌وگو» است. گفت‌وگو فرصتی برای اظهار نظر و بروز خویشتن فراهم می‌آورد. در این شرایط، فرد با بیان عقاید، افکار و ایده‌های خویش، شخصیت فکری، اجتماعی و فرهنگی خود را آشکار می‌سازد و به نوعی، به اثبات وجود می‌پردازد. زمانی که افکار فرد از سوی طرف مقابل پذیرفته می‌شود، احساس اعتماد به نفس و خودباوری در وی ریشه می‌دواند و بدین‌سان، زمینه‌ابراز عقاید بعدی و شهامت بیان نظرات مخالف با دیگران، در وی تقویت می‌گردد و با قدرت بیشتر به گفت‌وگو پرداخته، با دیگران به مفاهمه مشترک در خصوص موضوع مورد نظر دست می‌یابد. در این خصوص، امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند: «سخنان هر کسی حاکی از قوت قلب و نیرومندی روان اوست؛ یعنی به هر نسبتی که روح آدمی قوی‌تر و اعتماد به نفسش بیشتر است، کلامش قاطع‌تر و سخنش نیرومندتر است» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۴۳). بنابراین، ایجاد فرصت اظهار نظر و گفت‌وگو موجب افزایش اعتماد به نفس و به تبع آن، اظهار نظر محکم‌تر و قاطع‌تر خواهد شد.

لازمه پرورش مهارت اعتماد به نفس ایجاد شرایطی برای اظهار نظر و کار گروهی است که تنها از طریق به کارگیری روش‌های فعال تدریس امکان‌پذیر خواهد بود. در شرایطی که مربی، خود متکلم وحده باشد، این اندیشه به صورت غیرمستقیم به متربی القا می‌شود که تنها مربی می‌داند و فراگیر جز دریافت دانش و وظیفه دیگری ندارد و او همچون ظرفی خالی است که باید با انبوه اطلاعات مربی پر شود. این در صورتی است که مشارکت دادن فراگیران در فرایند آموزش، بستری برای اظهار نظر و مشارکت فعال و تقویت اعتماد به نفس در آنان ایجاد خواهد کرد.

ب. کارکردهای تربیتی گفت‌وگو در بُعد اجتماعی

علاوه بر اهمیتی که گفت‌وگو در پرورش ابعاد شخصی دارد، در عرصه اجتماعی نیز نقش بسزایی ایفا می‌کند. نیاز به گفت‌وگو و تفاهم در حیات معاصر پررنگ‌تر شده است. این واژه در عصر جدید، معنای نوینی یافته است. «معنای گفت‌وگو در کاربرد جدید آن، نتیجه شماری از تحولات در دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه انسان

گفت‌وگو به دو طریق سبب می‌شود تا مشارکت‌کنندگان به خوداندیشی بپردازند: خوداندیشی انفرادی و خوداندیشی گروهی. در خوداندیشی انفرادی، شخص در فرایند پس از گفت‌وگو، به ارزیابی دانش، رفتار و شناخت خود می‌پردازد. از این طریق، فرد به دورن خود رجوع می‌کند و نسبت به جنبه‌های خودآگاه و ناخودآگاه خویش شناخت پیدا می‌کند. نوع دیگر خوداندیشی در گروه اتفاق می‌افتد که افراد از طریق بازخوردی که از دیگران دریافت می‌کنند، نسبت به خویش آگاهی بیشتری می‌یابند (نیستانی، ۱۳۹۱، ص ۶۰). در حقیقت، انسان از طریق زبان و با گفت‌وگو، درون خویش را برای دیگران آشکار می‌سازد. در این خصوص، امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «در انسان ده خصلت وجود دارد که زبان او آنها را آشکار می‌سازد: زبان گواهی است که از درون خبر می‌دهد؛ داوری است که به دعوای خاتمه می‌دهد...» (کلینی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۰). در حقیقت، هر کس در جریان گفت‌وگو و با بیان عقاید خویش، شخصیت خود را نمایان می‌سازد. معمولاً دیگران تصویری از ما در ذهن دارند که با آنچه خود می‌پنداریم متفاوت است و برداشتی که دیگران از ما و نظراتمان دارند با دریافت خودمان تفاوت دارد. گفت‌وگو شرایطی فراهم می‌کند تا با دریافت بازخوردهای دیگران، به باورها و طرح‌هایمان از زوایای جدید بنگریم و درباره خود شناخت بهتری کسب کنیم. کسب این بینش منوط به برقراری ارتباط گروهی است. بنابراین، برای ایجاد این خودآگاهی در افراد، محیط‌های آموزشی و تربیتی، باید با کاربرست روش‌های گروهی و فعالیت‌های جمعی، زمینه دریافت نظرات متعدد را فراهم کند تا فرد بر اساس بازخوردهایی که از دیگران دریافت می‌کند، نسبت به خویشتن آگاهی بیشتری کسب نماید.

۴. تقویت اعتماد به نفس

«اعتماد به نفس» عبارت است از: آنچه فرد درباره خود می‌اندیشد و احساسی که درباره خود دارد که این امر بر ایند اطمینان به خود و احترام به خویشتن است (اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۲۵) که معمولاً از دوران کودکی آغاز می‌شود و تحت تأثیر تربیت، فرهنگ و جامعه تقویت شده و پس از گذشت سال‌ها، به یک احساس قوی و محکم تبدیل می‌شود و تغییر آن بسیار دشوار است (هایس و همکاران، ۲۰۰۴). اعتماد به نفس اکتسابی است و باید کشف شود

خصیصه، انتظار می‌رود در محیط‌های آموزشی با ایجاد بستری برای گفت‌وگوی متقابل، این مهارت آموزش داده شود. از سوی دیگر، مربیان خود نیز می‌توانند بر اساس نقش الگویی خویش، با رعایت اصول گفت‌وگوی سازنده و با پذیرش عقاید دیگران، این مهارت را در متربیان درونی سازند.

۲. همدلی و هم‌اندیشی

تلاش بشر برای برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد قواعد و قراردادهایی که در سایه آنها بتواند ارتباطی کلامی ایجاد کند، همواره محل توجه بوده است؛ کلامی که حاصل نزدیکی زبان و اندیشه است و به یاری آن، توانسته تفکرات خود را به دیگر منتقل کند. بی‌شک، این کار یکی از نخستین اقدامات برای ساماندهی جامعه انسانی در ایجاد ابزار فهمیدن، فهماندن و برقراری ارتباط با دیگران است (روح‌الامینی، ۱۳۸۱، ص ۱۴). انسان به خاطر ویژگی‌های جمع‌گرایانه و نیازهای طبیعی - روانی خود، در پی زندگی اجتماعی و ایجاد روابط مسالمت‌آمیز با هم‌نوعان خویش است. نیاز به همزیستی مسالمت‌آمیز و میل به همدلی و هماهنگی و حفظ بنیان‌های روابط اجتماعی و نیاز به ابراز احساسات و عواطف از طریق گفت‌وگو برطرف می‌شود. پذیرش تفاوت‌ها و به رسمیت شناختن تفاوت‌های فردی، قومی و ملی و تغییر نگرش نسبت به تفاوت‌های انسانی از اهداف گفت‌وگوست. بشر از طریق گفت‌وگو، به این واقعیت نایل می‌آید که «تفاوت داشتن» جزء طبیعی آفرینش و هستی و جزئی از وجود آدمی و تفکر و فرهنگ اوست، و حتی با حضور تفاوت‌هاست که زیبا و قابل پذیرش شده است. گفت‌وگو وسیله همدلی است، به شرط آنکه پذیرش تفاوت‌ها و زیبا دانستن آن پایه و اساس همدلی، باشد، و همسانی و هم‌شکلی شرط اساسی همدلی و یگانگی نباشد. بدین‌رو، گفت‌وگو می‌تواند همدلی و محبت را افزون کند و تلاشی برای زیباتر و مطبوع‌تر ساختن وجود خود و محملی برای درک و تجربه دقیق‌تر زیبایی و مهر قلمداد شود. (عارفی میناآباد، ۱۳۹۴، ص ۴۸).

۳. حصول تفاهم و وحدت

پیشرفت دانش و فناوری، سرعت و شتاب را برای بشر به ارمغان آورده و نحوه ارتباط افراد را با یکدیگر تغییر داده است. با پیشرفت

مدرن است» (پایا، ۱۳۸۱، ص ۶۷). این دگرگونی‌ها در جامعه، به سبب شکل‌گیری دولت‌های جدید و افزایش اختلاف میان جوامع گوناگون ظهور یافته و منجر به جنگ‌هایی شده که قربانی آن، انسان، حق حیات، حقوق و کرامت اوست. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین راهکارها برای برون‌رفت از مخاطرات عصر حاضر، گفت‌وگو و برقراری رابطه مناسب باشد.

در ادامه، برخی از آثار گفت‌وگو در بعد اجتماعی بیان می‌شود:

۱. سعه صدر و تحمل پذیرش نظرات مخالف

«سعه صدر» به لحاظ لغوی، در فرهنگ معین، به معنای «گشادگی سینه، همت عالی، نظر بلند، آزاداندیشی و آزادفکری» (معین، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸۵) است. «سعه صدر» را می‌توان شیوه‌ای برای تفکر و احساس دانست که برخورداری از آن، آسایش و آرامش در فرد ایجاد می‌کند و او را برمی‌انگیزاند تا ارزش‌های متفاوت انسانی را درک نموده، برای کسانی که متفاوت از او فکر می‌کنند احترام قائل شود و بر اساس شناخت و درکی که از دیگران دارد، با آنها تعامل مناسب برقرار کند (رایس، لین و لاک، ۲۰۰۸).

لزوم پرورش سعه صدر ایجاد فرصتی برای قرار گرفتن در معرض آراء متفاوت است که از راه گفت‌وگو حاصل می‌شود. هدف گفت‌وگو آشنایی افراد با نقطه‌نظرهای متفاوت درباره موضوعات محل بحث است و هر کس این فرصت را پیدا می‌کند که با شنیدن نظرات مخالف، با واقع‌بینی بیشتری با نظرات خود و دیگران برخورد کند (عارفی میناآباد، ۱۳۹۴، ص ۴۷).

تضارب آراء، تحمل پذیرش عقاید مخالف را در فرد ایجاد می‌کند. مسلماً انسانی که در معرض عقاید گوناگون قرار نگرفته است، در مواجهه با نظرات مخالف به سرعت جبهه خواهد گرفت، در حالی که انسان در روابط اجتماعی، نیازمند روحیه مدارا، عظمت روحی، تحمل و بردباری است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که سعه صدر نداشته باشد، تاب و توان ادای حق را ندارد» (مجلسی، ۱۳۶۴، ص ۸۳). بسیاری از تنش‌ها، دوری‌ها و جبهه‌گیری‌ها با مدارا، عطف و مهربانی برطرف خواهد شد. ظرفیت تحمل دیگران، نتیجه قرار گرفتن در معرض عقاید متنوعی است که از طریق گفت‌وگو حاصل می‌شود.

با توجه به اهمیت سعه صدر و امکان پرورش و رشد این

ایجاد رخنه‌ای بزرگ میان دو نسل است (علی‌خانی، ۱۳۸۲، ص ۹۹). اگر این پدیده به درستی درک نشود، تداوم فرهنگی جامعه را با مشکل مواجه می‌سازد و انتقال هویت تاریخی و فرهنگی را دچار اختلال می‌کند و سرانجام، بقای جامعه را به خطر می‌اندازد.

در بخشی از خطبه ۲۳۳ *نهج‌البلاغه* از امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره علت سقوط جوامع انسانی، به فاصله دو نسل اشاره شده است: «خدا شما را بیامرزد! بدانید که شما در زمانی زندگی می‌کنید که در آن گویای به حق آندک و زبان از راستگویی کند و حق جو خوار است؛ مردم بر نافرمانی (خدا و رسول) آماده شده‌اند، و بر مماشات و سازگاری با هم (برای پیروی از خواهش‌های نفس) یار گردیده همراه گشته‌اند؛ جوانشان بد خو، و پیرشان گناهکار، و دانایشان دو رو، و سخنرانشان چاپلوس است؛ کوچکشان به بزرگشان احترام نمی‌نهد، و توانگرشان از بینوایشان دستگیری نمی‌کند؟».

بخشی از این فراز، که به توضیح رفتار جوانان با بزرگان و بی‌احترامی نسبت به آنان اشاره می‌کند، بیانگر فاصله گرفتن و دور شدن نسل جدید از نسل قبل از خود است. با گذر زمان و تغییر اعتقادات، رفتارها، نگرش‌ها و باورهای دو نسل، ارزش‌های پیشینیان برای جوانان قابل احترام نخواهد بود، و با کاهش فصل مشترک‌های اعتقادی و عاطفی، گسست نسلی تشدید خواهد شد. بدین‌روی، جست‌وجوی راه‌حلی برای کاهش اختلافات میان نسل‌ها و تلاش برای نزدیک کردن آنان به منظور حفظ بقای جامعه، ضروری و حیاتی است. یکی از راه‌های کاهش این گسست، برقراری تعامل سازنده از طریق گفت‌وگوست.

«برای ایجاد تفاهم و شکل‌گیری تعامل مناسب میان نسل‌ها، زبان مشترک نیاز است؛ زبانی که بر پایه همدلی بنا شود و عاری از سوءتفاهم و بدبینی باشد» (گل‌محمدی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷). از طریق گفت‌وگو و قرار گرفتن طرفین (نسل قدیم و جدید) در مقام گوینده و شنونده، بستر ارتباط سازنده مهیا می‌شود. گفت‌وگو شرایطی فراهم می‌کند تا نسل قدیم از موضع متکلم بودن صرف و تحکم و خشونت برای تثبیت عقاید خویش کناره‌گیری کند و نسل جوان نیز ضمن کسب فرصتی برای ارائه باورهای خویش، با تقویت هنر شنیدن به جای طرد و نفی نسل قدیم، به همدلی دست یابد و درک متقابل شکل گیرد. در درجه اول، دو نسل باید در عین توجه به شباهت‌ها، تفاوت‌های یکدیگر را نیز بپذیرند. در

جوامع بشری، آهنگ ناسازگاری، ناهمسازی و جنگ ملت‌ها سرداده شده است. بهترین راه برای حل اختلاف‌ها و یا - دست کم - توافق بر سر اصول و اهداف مشترک، پذیرش گفت‌وگوست. سال‌های پایانی قرن بیستم را از نظر توجه به مفهوم «گفت‌وگو»، شاید بتوان «عصر گفت‌وگو» نامید. به نظر می‌رسد برای حل منازعات و درگیری‌های موجود، نوعی گرایش رشد‌یابنده به سمت گفت‌وگو در صورت‌بندی‌های مختلف بروز کرده است. «گفت‌وگوی تمدن‌ها»، «گفت‌وگوی ادیان»، «گفت‌وگو میان حاکمان و حکومت‌شوندگان»، «گفت‌وگوی نسل‌ها»، و «گفت‌وگو میان نخبگان» از جمله صور و اشکالی است که غلبه نظام‌های «مونولوگ» را به چالش کشیده است. گفت‌وگو موجب حصول وفاق و وحدت خواهد شد:

اگر قادر باشیم به شکل جمعی معانی را بین خود مشترک سازیم تشریک مساعی صورت می‌گیرد و اندیشه مشترکی شکل می‌گیرد که توسط هیچ‌یک از افراد کنار گذاشته نخواهد شد» (بوهیم، ۱۳۸۱، ص ۵۷).

در ادامه، سه نمونه از مصادیق کاربرد گفت‌وگو در حصول تفاهم و وحدت بررسی می‌شود:

یکم. انسجام بین نسلی از طریق گفت‌وگوی نسل‌ها

تحولات چند دهه اخیر در جهان نشان می‌دهد که تغییراتی بسیار عمیق در باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی مردم به وقوع پیوسته که حاصل تحولات سیاسی و اقتصادی بوده و در مقابل، تأثیری عظیم بر جوانب گوناگون زندگی اجتماعی و فرهنگی برجای گذاشته است (افلاکی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۳۹). همزمان با این تحولات، تمایلات انسان‌ها نیز تغییر کرده و شاهد تفاوت و دوری نسل جوان با نسل قبل هستیم. این دوری به صورت کاهش ارتباط کلامی، کاهش فصل مشترک‌های عاطفی و ارزشی و نابرداری نسل‌ها، بی‌تعهدی نسل جوان به فرهنگ خودی، حضور نیافتن در مشارکت‌های اجتماعی و اختلال در فرایند همانندسازی نمود یافته و موجب گسست نسلی شده است. اصطلاح «گسست نسلی» به اختلاف در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است و موجب عدم فهم متقابل آنان از یکدیگر می‌شود (ساروخانی و صداقتی‌فرد، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، «گسست نسلی» به معنای

واقع، وجود درک متقابل از اینکه اهداف و خواسته‌ها، آمال و آرزوها و پرسش‌های نسل مقابل با نسل جدید فرق دارد، می‌تواند بر شکل‌گیری این گفتمان تأثیر زیادی بگذارد.

نکته حائز اهمیت آن است که هیچ نسلی حق تحمیل آداب و رسوم خود به نسل را بعد ندارد؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۶۷). با گذشت زمان، شرایط زندگی تغییر می‌کند و در عادات و رفتار نیز دگرگونی حاصل می‌شود. پس نمی‌توان انتظار داشت که نسل جدید کاملاً مانند نسل قدیم عمل کند. از سوی دیگر، نسل بزرگسال وظیفه خطیر تربیت و هدایت نسل بعد از خود را بر عهده دارد و لازم است شرایطی برای پذیرش آگاهانه و مبتنی بر اختیار برای نسل نو فراهم کند. از آن‌رو که بهترین راه پذیرش هر چیز انتخاب از روی آگاهی است و اصول اعتقادی نیز باید از طریق استدلال و منطق از سوی هر کس پذیرفته شود، گفت‌وگویی که مبتنی بر تعقل و استدلال باشد، می‌تواند زمینه‌ساز رسیدن به عقاید بر حق گردد و بدین سان، گامی اثربخش در جهت کاهش تفاوت و گسست بین نسلی برداشته می‌شود.

واقع، وجود درک متقابل از اینکه اهداف و خواسته‌ها، آمال و آرزوها و پرسش‌های نسل مقابل با نسل جدید فرق دارد، می‌تواند بر شکل‌گیری این گفتمان تأثیر زیادی بگذارد.

نکته حائز اهمیت آن است که هیچ نسلی حق تحمیل آداب و رسوم خود به نسل را بعد ندارد؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۲۶۷). با گذشت زمان، شرایط زندگی تغییر می‌کند و در عادات و رفتار نیز دگرگونی حاصل می‌شود. پس نمی‌توان انتظار داشت که نسل جدید کاملاً مانند نسل قدیم عمل کند. از سوی دیگر، نسل بزرگسال وظیفه خطیر تربیت و هدایت نسل بعد از خود را بر عهده دارد و لازم است شرایطی برای پذیرش آگاهانه و مبتنی بر اختیار برای نسل نو فراهم کند. از آن‌رو که بهترین راه پذیرش هر چیز انتخاب از روی آگاهی است و اصول اعتقادی نیز باید از طریق استدلال و منطق از سوی هر کس پذیرفته شود، گفت‌وگویی که مبتنی بر تعقل و استدلال باشد، می‌تواند زمینه‌ساز رسیدن به عقاید بر حق گردد و بدین سان، گامی اثربخش در جهت کاهش تفاوت و گسست بین نسلی برداشته می‌شود.

دوم. همبستگی فراملی از طریق گفت‌وگوی تمدن‌ها

زندگی در عصر جهانی شدن، برداشته شدن مرزهای مادی و روانی بین جوامع را موجب شده است. بدین‌روی، «بشریت در حال عبور از زندگی در جهان‌های گوناگون، به مرحله جدید زندگی در جهان واحد است» (سینگر، ۱۳۸۸، ص ۱۰). در چنین شرایطی، مشکلات نیز ماهیتی جهانی پیدا می‌کنند و از مرزهای ملی فراتر می‌روند. دنیا جنگ و برخورد را تجربه کرده و از این درگیری‌ها ضربه‌های فراوانی را متحمل شده است. دغدغه بشر در قرن حاضر، حصول صلح و تفاهم است، و «گفت‌وگو» یکی از کاربردی‌ترین روش‌های دستیابی به این تفاهم به‌شمار می‌آید.

بدون شک، شرایط جهان امروز دگرگونی وسیع و زیربنایی را در قالب انواع ارتباطات می‌طلبد. طرد سبقت‌جویی، رفع انحصار قدرت، استثمار و استبداد، و ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی صرفاً از طریق گفت‌وگوی تمدن‌ها قابلیت تحقق دارد (ملکی،

سوم. گفت‌وگوی ادیان

دنیای جدید ناهمسازی‌هایی میان ادیان به وجود آورده که منشأ اختلاف و تفرقه بین پیروان ادیان است. تفرقه‌ای که در دنیای اسلام نیز از سوی دشمنان، به مسلمانان تحمیل شده و به شعله‌ور شدن آتش جنگ در منطقه دامن زده است. نمونه بارز این اختلافات است.

در عصر حاضر و با ظهور گروه‌های تکفیری در جهان اسلام، ضرورت تفاهم و تقریب مذاهب اسلامی، بخصوص شیعه و سنی بیشتر نمایان شده است. علت این مسئله را می‌توان در تفرقه و تشست‌های به وجود آمده توسط کشورهای استعمارگر دانست که باعث در انزوا قرار گرفتن مسلمانان خواهد شد (میرخلیلی، ۱۳۹۴، ص ۶۶).

این در حالی است که ادیان آسمانی از مبدأ واحدی سرچشمه

زمینه‌ساز نقد آن می‌شود. این نقد زمینه توضیح، روشنگری و در نهایت، فهم عمیق‌تر را فراهم می‌کند و این سیر دیالکتیکی و گام‌به‌گام منجر به دستیابی به مفهوم مشترک و حل مسئله می‌گردد.

گفت‌وگو زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که اصولی همچون گوش دادن عمیق، پرسشگری، نرمی و لطافت، سهیم شدن در مسئولیت، تکریم و احترام متقابل، اعتمادآفرینی، و توجه به سطح مخاطب در آن رعایت شود. رعایت اصول نام‌برده منجر به اثربخشی گفت‌وگو و دستیابی به آثار و مزایایی در زندگی فردی و اجتماعی خواهد شد. در بعد فردی از طریق انسان قادر خواهد بود از بسیاری از حقایق ناشناخته پرده بردارد و ضمن کسب معرفت بیرونی، به خودآگاهی و شناخت خویشتن نیز دست یابد. گفت‌وگو با ایجاد فرصتی برای قرارگیری فرد در معرض عقاید گوناگون، زمینه ایجاد تفکر انتقادی را فراهم می‌سازد و فرصت ابراز عقیده و بیان نظراتی که از طریق گفت‌وگو ایجاد می‌شود، اعتماد به نفس فرد را پرورش می‌دهد.

از سوی دیگر، مهارت در برقراری ارتباط و گفت‌وگوی سازنده کلید حل بسیاری از مشکلات و مسائل اجتماعی نیز هست. ناتوانی در برقراری ارتباط، موجب فاصله گرفتن جوانان از نسل قبل شده و پدیده «گسست نسلی» را ایجاد کرده است. همچنین بسیاری از جنگ‌ها و درگیری‌ها و در پی آن، کشتارهای انسانی، که امروزه شاهد گسترش آنها در سطح اجتماعی هستیم، به سبب ناتوانایی در برقراری ارتباط مناسب بین جوامع و ملل است.

با توجه به آثار تربیتی گفت‌وگو و تبیین جایگاه آن به‌عنوان عنصری تأثیرگذار در تمام جوانب زندگی بشر، لزوم پرورش و تقویت این مهارت در عصر حاضر ضروری است. انسان از بدو تولد، با زندگی در محیط خانواده و پس از آن با ورود به جامعه، برقراری ارتباط با دیگران را تمرین می‌کند؛ اما نهادهای تربیتی به‌عنوان متولیان شکوفایی و پرورش استعدادها و درونی انسان‌ها نقش مهم و تأثیرگذاری دارند. بدین‌رو، لازم است دست‌اندرکاران حوزه تربیت ضمن توجه ویژه به ضرورت تقویت مهارت «گفت‌وگو»، در زمینه به‌کارگیری روش‌هایی برای پرورش این مهارت اهتمام ورزند، تا آثار و نتایج متعدد کاربست گفت‌وگو در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشر تجلی یابد.

گرفته‌اند و در اصل آنها اختلاف وجود ندارد؛ تنها در برخی ویژگی‌ها و احکام فرعی، اختلاف‌هایی مشاهده می‌شود.

این وجوه بعضاً متفاوت، بنا به حکمت و لطف الهی و اقتضای شرایط زمان و مکان به وجود آمده است. همین تشریحات در احکام فرعی باعث شده که دین یگانه، صورت‌ها، نام‌ها و عناوین گوناگونی بیابد (فاضلی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴).

در قرآن، با صراحت، به وحدت کتاب‌های آسمانی اشاره شده و خطاب به پیامبر ﷺ آمده است: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» (شوری: ۱۳)؛ از [احکام] دین، آنچه را به نوح درباره آن سفارش نمود، برای شما تشریح کرد، و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم، که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید... . بنابراین، وجود اصول و مبانی مشترک در بین ادیان، زمینه گفت‌وگو بین آنها را فراهم می‌سازد. گفت‌وگو براساس منطق و عقلانیت و به دور از تعصبات فکری و عقیدتی از ضرورت‌های جهان امروز است.

گفت‌وگو بین پیروان ادیان در فضای آرام و به دور از تهدیدها و تعصب‌ها می‌تواند صلح و امنیت را به ارمغان آورد و ابزاری برای شناخت عمیق وجوه اشتراک باشد و تعامل، وفاق و روحیه برادری را گسترش دهد. مهم‌ترین هدف این گفت‌وگوهای منطقی و سازنده جلوگیری از نزاع و جنگ، و در مرحله بعدی، ایجاد تفاهم و کاستن از اختلافات است (عارفی میناآباد، ۱۳۹۴، ص ۳۷). در واقع، امروزه باید از گفت‌وگو به‌عنوان ابزاری مسالمت‌آمیز برای انتقال اندیشه‌ها، نظریه‌ها و نوشته‌های دینی استفاده شود تا از سوءاستفاده‌های دشمنان در ایجاد تنش و درگیری‌های خونین بین مسلمانان و پیروان سایر ادیان جلوگیری به عمل آید.

نتیجه‌گیری

«گفت‌وگو» به‌عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی، از ضروری‌ترین نیازمندی‌های بشر در جهان امروز است. «گفت‌وگو» مفهومی فراتر از صحبت کردن، مکالمه و محاوره دارد و می‌توان آن را معادل «دیالوگ» در نظر گرفت؛ یعنی رابطه‌ای که در آن شرکت‌کنندگان به فهم و نقد سخن یکدیگر می‌پردازند و طی این فرایند، سخن،

شیوه‌های گفت‌وگو در قرآن کریم (رویکرد اخلاقی و زبانی)، پژوهش‌های

اسلامی، سال پنجم، ش ۷، ص ۴۵-۶۶

ساروخانی، باقر و مجتبی صدراقتی فرد، ۱۳۸۸، «شکاف نسلی در خانواده

ایرانی، دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم،

ش ۴، ص ۷-۳۱.

سبحانی‌نیا، محمد، ۱۳۸۷، جوان و اعتماد به نفس، قم، بوستان کتاب.

سلطانی رنای، مهدی، ۱۳۸۹، «قرآن علم ارتباطات تبلیغ و رسانه جایگاه علمی

گفت‌وگو در آینه قرآن»، کوثر، ش ۳۴، ص ۹۳-۱۰۵.

سینگر، پیتر، ۱۳۸۸، یک جهان: اخلاق جهانی‌سندن، ترجمه محمد آزاده،

تهران، نشر نی.

شکوهی یکتا، محسن، ۱۳۷۰، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها)، تهران،

چاپ و نشر ایران.

صادق‌زاده قصری و همکاران، ۱۳۹۴، «گفت‌وگوی تربیتی و اصول و روش‌های

آن: واکاوی گفت‌وگوهای تربیتی قرآن»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت

اسلامی، ش ۲۵، ص ۱۱۹-۱۴۱.

عارفی میناآباد، راهب، ۱۳۹۴، «ضرورت گفت‌وگو و اعراض از مجادله در جهان

اسلام»، حبل‌المتین، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۳۶-۵۱.

علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۲، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، تهران، پژوهشکده

علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

فاضلی، مهسا، ۱۳۸۱، «اهمیت تعامل و گفت‌وگوی فرهنگی در منظر قرآن»،

پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۳، ص ۱۰۲-۱۲۳.

فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، «انسان‌شناسی گفت‌وگو: پویایی ممنوعیت‌ها و تعلق‌ها در

حوزه مبادله»، جامعه‌شناسی ایران، ش ۱، ص ۴۰-۵۷.

کریمی‌نیا، محمدمهدی، ۱۳۸۳، «گفت‌وگو در قرآن کریم»، رواق اندیشه،

ش ۲۹، ص ۸۶-۱۰۵.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۷ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گل‌محمدی، فرهود، ۱۳۸۶، «نگاهی بر نقش حفظ و تقویت ارزش‌ها در جوانان در

پیشگیری از وقوع جرم»، پیشگیری رشد مدار، ش ۲، ص ۳۳۱-۳۰۸.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۴، مواعظ امامان، ترجمه موسی خسروی، تهران، اسلامیه.

معین، محمد، ۱۳۷۷، فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.

ملکی، صفی‌الله، ۱۳۸۲، «نقش گفت‌وگوی تمدن‌ها در رشد و شکوفایی تعاونی‌ها»،

اقتصاد، فرهنگ و تعاون، ش ۲۲، ص ۱۰-۱۴.

منابع.....

ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن محمد، ۱۳۸۲، تحف‌العقول، ترجمه صادق

حسن‌زاده، قم، آل‌علی.

ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبة‌الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج‌البلاغه، قم، کتابخانه

آیت‌الله مرعشی نجفی.

اسلامی، حسن، ۱۳۸۳، اعتماد به نفس، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار

امام خمینی.

افلاکی‌فرد، حسین و همکاران، ۱۳۹۲، «شکاف نسلی و انتزاع ابعاد تربیت بین نسلی

در قلمرو برنامه درسی: یک مطالعه کیفی»، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی،

سال چهارم، ش ۳، ص ۲۱۷-۲۴۸.

برنجکار، رضا و علی عباس‌آبادی، ۱۳۹۳، «کاربست روش پرسش و پاسخ در تبیین

عقاید در قرآن و حدیث»، اندیشه و حدیث، سال نهم، ش ۱۷، ص ۵-۲۲.

بنی‌نعمه، صباح، ۱۳۹۳، آداب گفت‌وگوی انسان‌ها با یکدیگر از منظر قرآن و روایات،

آران و بیدگل، مدرسه علمیه حضرت زینب.

بوهم، دیوید، ۱۳۸۱، درباره دیالوگ، ترجمه محمدعلی حسین‌نژاد، تهران، دفتر

پژوهش‌های فرهنگی.

پایا، علی، ۱۳۸۱، گفت‌وگو در جهان واقعی، تهران، طرح نو.

تمیمی‌آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۷۸، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه سیدهاشم

رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسینی، سیدجعفر، ۱۴۱۶ق، تاریخ الادب العربی (ادب صدرالاسلام)، قم،

دارالاعتصام.

خانیکی، هادی، ۱۳۸۳، «گفت‌وگو؛ از مفهوم زبانی تا معنای جهانی»، جامعه‌شناسی

ایران، سال پنجم، ش ۱، ص ۹۰-۱۱۳.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۱، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.

دیالمه، نیکو و زهرا صالحی‌متعهد، ۱۳۹۳، «مؤلفه‌های گفت‌وگوی صحیح مبتنی بر

گفت‌وگوهای قرآنی»، تربیت اسلامی، سال نهم، ش ۶، ص ۴۷-۶۶.

دیناروند، حسن و محسن ایمانی، ۱۳۸۷، «تبیین نظریه انتقادی، تعلیم و تربیت

انتقادی و دلالت‌های تربیتی آن از منظر فریره و ژیرو و نقد آن»، اندیشه‌های

نوین تربیتی، سال چهارم، ش ۳، ص ۱۴۵-۱۷۵.

روح‌الامینی، محمود، ۱۳۸۱، فرهنگ و زبان گفت‌وگو به روایت تمثیل‌های منسوی

مولوی بلخی، تهران، آگه.

زینی‌وند، توج و حسین وحید دستجردی، ۱۳۹۰، «درآمدی توصیفی - تحلیلی بر

- ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۱، «گفت‌وگوی تمدن‌ها، ضرورت فرهنگی»، *پل فیروز*، ش ۱، ص ۱۳۷-۱۴۰.
- میرخلیلی، سیدجواد، ۱۳۹۴، «موانع گفت‌وگوی مذهبی در ایران»، *حبل‌المتین*، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۷۷-۶۶.
- نحلاوی، عبدالرحمن، ۲۰۰۱، *اصول التربیه الاسلامیه*، بیروت، دارالفکر المعاصر.
- نیستانی، محمدرضا، ۱۳۹۱، *اصول و مبانی دیالوگ روش‌شناسی و آموزش*، اصفهان، آموخته.
- Bakhtin, M.M, 1981, *The Dialogical Imagination*, M. Holquist, Ed, Austin: University of Texas Press.
- Browne, N., 2003, Critical thinking is objective, *College Student Journal*.
- Caldwell, C., 2010, "Identity, self-awareness and self-deception: Ethical implications for leaders and Organizations", *Journal of Business Ethics*, N. 90, p. 393-406.
- Dixon, N. M., 1996, *Perspectives on dialogue making talk developmental for individuals and organizations*, Greensboro, Center for Creative Leadership.
- Gotsman , I., 2010, "Sitting in the waiting room: Paulo Freire and the critical turn in the field of education", *Educational Studies*, N. 46, p. 376-399.
- Hayes, A.M., Harris, M.S. & Carver, C.S., 2004, "Predictors of self-esteem variability", *Cognitive Therapy and Research*, N. 28, p. 369-385.
- Keenan, J. P. Guise, K. Kelly, K. Romanowski, J. Vogeley, K. Platek, S. M. & Murray, E., 2007, "The anatomical and evolutionary relationship between self-awareness and theory of mind", *Human Nature*, N. 18, p. 132-142.
- Nelson, T., 2001, *Meaning of critical thinking. Critical thinking and Education*, Cambridge University Press.
- Rice, D. Lin, M. & Lake, V. E., 2008, "Teaching anti-bias curriculum in teacher education programs: what and how", *Teach Education*, N. 35, p. 187-200



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی